

پارچه و پارچه‌بافی
در تمدن اسلامی

دکتر فریده طالب‌پور

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۵	فصل اول: پارچه و پارچه‌بافی در دوره امویان
۱۰	فصل دوم: پارچه و پارچه‌بافی در دوره عباسی
۳۳	فصل سوم: پارچه و پارچه‌بافی در مصر
۳۹	فصل چهارم: پارچه و پارچه‌بافی در دوره طولونی
۴۳	فصل پنجم: پارچه و پارچه‌بافی در دوره فاطمی
۶۲	فصل ششم: پارچه و پارچه‌بافی در دوره مملوکان
۷۶	فصل هفتم: پارچه و پارچه‌بافی در سوریه
۹۰	فصل هشتم: پارچه و پارچه‌بافی در اندلس
۱۱۶	فصل نهم: پارچه و پارچه‌بافی در سیسیل
۱۳۰	فصل دهم: پارچه و پارچه‌بافی در دوره عثمانی
۱۶۶	فصل یازدهم: پارچه و پارچه‌بافی در هند
۲۰۲	فصل دوازدهم: پارچه و پارچه‌بافی در ایران دوره اسلامی
۲۲۵	منابع
۲۳۴	تصاویر

پیشگفتار

پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، در مکه به دنیا آمدند و در سال ۶۲۲ میلادی به اتفاق اصحاب خود از مکه به مدینه هجرت فرمودند و این حرکت، مبدأ تاریخ اسلامی قرار گرفت. با گسترش دین مبین اسلام، مناطق مختلفی با پیامبر (ص) و جانشینان او مصالحه نمودند و مالیات و خراج پرداختند. قبایل یهودی و مسیحی جنوب عربستان، اولین گروهی بودند که خراج می پرداختند. آنان مطابق با پیمانی که بسته بودند، خراج خود را به صورت منسوج در نجران (از شهرهای یمن) تحویل مسلمانان می دادند.

پس از رحلت پیامبر (ص)، سپاه خلفای راشدین، در سال ۶۳۳/۱۲ به امپراتوری بیزانس / روم شرقی حمله کرد و به دنبال آن سوریه و مصر را تسخیر نمود. سپاه اسلام، تحت رهبری خالد بن ولید در جنگ یرموک، امپراتوری روم شرقی را شکست داد و سپس به سوی مشرق (ایران) حمله کرد و پادشاهی ساسانی را برانداخت. این فاتحان در سال ۷۱۵/۹۶ به دروازه دمشق رسیدند. پس از فتح عراق، حضرت علی (ع) شهر کوفه را مرکز حکومت اسلامی قرار داد و بدین ترتیب مرکز دولت اسلامی، از عربستان خارج شد. پس از شهادت حضرت علی (ع)، معاویه از خاندان بنی امیه، سلسله امویان را تأسیس نمود و مرکز خلافت اسلامی را به شهر دمشق منتقل کرد. در سال ۷۴۹/۱۳۱ به دنبال شکست امویان از بنی عباس، عبدالرحمن بن معاویه به اسپانیا گریخت و دولت اموی را در اندلس بنیاد نهاد. پس از گذشت یک قرن از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام، قلمرو مسلمانان از هند تا اسپانیا گسترش یافت و از مساجد، شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی، صدای اذان به گوش می رسید. به دنبال آن، زبان عربی به سراسر جهان گسترش یافت و زبان رسمی حکومت اسلامی گردید. در این دوران، عرب های مسلمان با کشورهای آشنای خود که در اوج تمدن و پیشرفت بودند. آنان شیوه ها و فنون جدیدی از این تمدن ها آموختند و در زندگی خود به کار بستند. پس از روی کار آمدن عباسیان، بغداد به پایتختی دولت اسلامی برگزیده شد. اما با تضعیف

این دولت، خلافت عظیم اسلامی به ایالات مختلفی تقسیم گردید. سرانجام با هجوم مغولان، دولت بنی‌عباس سرنگون شد. پیش‌تر از آن با روی کار آمدن دولت فاطمی در مصر، مرکز بخشی از حکومت اسلامی به شهر تازه‌تأسیس قاهره منتقل شده بود که رونق آن تا دورهٔ ممالیک نیز ادامه یافت. سده‌ها بعد در نتیجه هجوم دولت عثمانی، ممالیک منقرض شدند و کشور مصر و سرزمین‌های وسیعی، به تسلط آن درآمد. پس از جنگ جهانی اول، جایگاه سیاسی کشورهای اسلامی در منطقهٔ خاورمیانه تغییر کرد و نظام جدیدی بر این منطقه حاکم گردید. با تسلط مسلمانان بر مناطق وسیعی از جهان، آنان با هنر و صنعت کشورهای تحت سلطه خود آشنا شدند، در همان حال هنر و صنایع کشورهای مغلوب درهم آمیخت و به سبک هنر اسلامی تبدیل شد. گسترش اسلام باعث گسترش شبکه تجاری جهانی براساس ارزش‌های اسلامی و زبان عربی گردید. فناوری‌ها و علوم به سرعت گسترش یافت و صنعت بافندگی که از متداول‌ترین صنایع در آن زمان بود، پیشرفت چشمگیری کرد. منسوجات نقش مهمی در اقتصاد مسلمانان داشت و پارچه‌های نفیس، قرن‌ها رضایت مشتاقان خود را در جهان اسلام و سایر کشورها جلب می‌کرد. منسوجاتی که مسلمانان تهیه یا استفاده می‌کردند، در کشورهای اسلامی، چین و اروپا فروخته و مصرف می‌شد. حتی جنگ‌های صلیبی هم نتوانست از تجارت منسوجات جلوگیری کند. تا قبل از این که بافندگی ابریشم در ایتالیا گسترش یابد، ابریشم مورد نیاز اروپا از روم شرقی و کشورهای اسلامی تهیه می‌شد و به همین دلیل امروزه تعداد زیادی از قطعات منسوجات ابریشمی مسلمانان در کلیساهای اروپا باقی مانده است. بافندگان روم شرقی ابریشم‌های نفیسی را حتی بعد از سقوط قسطنطنیه می‌بافتند و همچنین بافندگان ایرانی و خاورمیانه مسلمان و رودوزان کارگاه‌های سوریه، ابریشم‌های درباری را تا زمان عثمانیان تهیه می‌کردند.

تولید و تجارت منسوجات، برای چند قرن در اقتصاد جهان اسلام نقش مهمی داشت. تا پیش از حکومت اسلامی، قوانین تولید و تجارت منسوجات را امپراتوری روم شرقی و شاهنشاهی ساسانی تعیین می‌کردند، حکومت اسلامی ناگزیر بود آن‌ها را با قوانین جدیدی جایگزین کند تا صنعت با شرایط دولت حاکم منطبق گردد. بنابراین، دولت اسلامی برنامه‌ریزی کارگاه‌های نساجی روم شرقی و ایران را در دست گرفت. مسلمانان در مصر، مسیحیان بومی را استخدام کردند و قبطنی‌ها به‌عنوان بافندگان تحت حمایت حکومت اسلامی، سبک هنری خود را ادامه دادند. پس از عصر طلایی هنر اسلامی این هنرها رو به افول نهادند. امروزه غالب منسوجات اسلامی، در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود و با

وجود تنوع آن‌ها، گزارش دقیقی از روش‌های تولید پارچه‌ها وجود ندارد. بررسی سبک‌تزیینات منسوجات دوره اسلامی، تأثیرات متقابل هنر اسلامی و هنرهای بومی هر منطقه را نشان می‌دهد. این منسوجات انعکاس‌دهنده هنر و شعایر دینی است. خراج و مالیات‌هایی که قبایل و کشورهای غیر اسلامی، به دولت اسلامی می‌پرداختند، شامل منسوجات نیز می‌شد. سبک‌ها و طرح‌های اولیه این پارچه‌ها غالباً از آداب، سنن و هنر بومی اقتباس می‌شد؛ اما کم‌کم شیوه‌های بافت و تزیینات منسوجات تولیدشده، تحت تأثیر هنر اسلامی قرار گرفت و نقوش اسلامی، ادعیه و آیات قرآن بر پارچه‌ها نقش زده شد. کشورهای اسلامی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ حوزه غرب جهان اسلام شامل: افریقای شمالی، اسپانیای قرون وسطی و سیسیل و دیگری حوزه شرق جهان اسلام شامل: عربستان، سوریه، بین‌النهرین، ایران و آناتولی. پارچه‌بافی از پیشرفته‌ترین صنایع دنیای اسلام و میزان تولید پارچه و افرادی که در این صنعت فعالیت می‌کردند، بسیار زیاد بود. همواره بخشی از منسوجاتی که تولید می‌شد، پوشاک خلفا، خانواده آن‌ها، امیران و خلعت‌های اهدایی از جانب دربار به صاحب‌منصبان و دربارهای سایر کشورها بود. برخی از پارچه‌ها نیز در کارگاه‌های بخش خصوصی تولید می‌شد، که آن‌ها را به بازرگانان می‌فروختند. مطالعه منسوجات اسلامی، شامل منسوجات مناطقی می‌شود که اکثریت مردم آن‌ها، براساس آداب و سنن اسلامی زندگی می‌کردند و عمدتاً به منسوجاتی اطلاق می‌شود که در حوزه شرقی اسلام نظیر مصر، سوریه، آناتولی و ایران تولید یا استفاده می‌شدند. در حوزه غربی اسلام منسوجات اسپانیا، که دروازه تمدن اسلامی به اروپا بود و نیز منسوجات شرقی‌ترین سرزمین‌ها، هند دوره گورکانی، نیز درخور مطالعه است. منسوجات برجای مانده، معیارهای زیباشناسانه‌ای را ارائه می‌دهند که بر مبنای آن‌ها، سایر آثار اسلامی نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به این که در کشور مصر در دوره اسلامی، تافتخ آن توسط سلاطین عثمانی، دولت‌های مختلفی بر روی کار آمدند، در این کتاب منسوجات دولت‌هایی بررسی شده‌اند که مدت زمان بیشتری حکومت نموده و صنعت پارچه‌بافی در آن دوره‌ها قابل توجه است. بافته‌های کشورهای سوریه که پیش از فتوحات اسلامی، یکی از ایالت‌های روم شرقی به شمار می‌رفته و بعد از فتوحات اسلامی، جزئی از ولایات تحت امر خلیفه مصر بوده است و منسوجات آناتولی که مقرر عثمانیان بود، بررسی می‌شود. هند گورکانی نیز از مراکز مهمی است که شگفتی‌های بسیاری در تولید منسوجات نفیس ارائه نموده است. به منسوجات دوره اسلامی ایران، با توجه به کثرت منابع به‌اختصار پرداخته شده است. در به ثمر رسیدن این کتاب دوستان زیادی وقت گران‌بهای خود را صرف داوری،

ویراستاری و چاپ آن نمودند. لذا از مسئولان و کارکنان محترم سازمان «سمت»، به‌ویژه اعضای گروه هنر، آقای منصور براهیمی و خانم مرجان برهمند و دست‌اندرکاران ویرایش و آماده‌سازی، خانم‌ها افسانه منفرد ویراستار، سپیده یاقوتی بازبین کتاب، کبری بیون ناظر فنی، معصومه‌السادات رسول‌زاده گرافیکست و رؤیا صالحی صفحه‌پرداز کتاب سپاسگزارم.

فریده طالب‌پور

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)